



شماره ۴ || سال دوم || تابستان ۱۳۹۷

تپه قاله زیوا: نویافته‌ایی با سفال جی در مریوان

I مرتضی زمانی

II سیروان محمدی قصریان

III علی بهنیا

(صص: ۴۹-۴۱)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۱۷

چکیده

نخستین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی دشت مریوان توسط دانشگاه بوعلی همدان منجر به شناسایی آثار و محوطه‌های پیش‌ازتاریخ زیادی از دوره‌های پارینه‌سنگی میانی، فراپارینه‌سنگی، نوسنگی بی‌سفال و مس‌سنگی میانی گردید. نکته جالب در مورد توالی آثار شناسایی‌شده بررسی‌های مذکور، وجود یک وقفه نسبتاً طولانی بین محوطه‌های دوره نوسنگی قدیم تا دوره مس‌سنگی میانی است. خوشبختانه در بررسی‌های اخیر انجام‌گرفته توسط نگارندگان که با مجوز شماره ۹۷۱۰۲۵۲۰ از سوی پژوهشگاه میراث‌فرهنگی انجام شد^۱، محوطه‌ایی با نام تپه‌قاله زیوا در مریوان شناسایی گردید. این تپه در غرب ایران، استان کردستان و در شهرستان مریوان یک برجستگی کوچک در ۱۵۰۰ متری جنوب‌غربی روستای شازانی، بخش مرکزی شهرستان مریوان و در میان یک دشت میان‌کوهی، مجاورت چشمه‌ای در ۱۰۰ متری شرق جاده آسفالت روستای شازانی واقع شده است. این تپه شواهد جالبی از سفال‌های دوره نوسنگی جدید؟ و مس‌سنگی قدیم (سفال جی) و میانی را دربر دارد. پیدا شدن این گونه‌های سفالی در دشت مریوان می‌تواند بسیار مورد توجه بوده و مریوان نیز به مناطق تحت‌تأثیر این فرهنگ سفالی اضافه گردد. همچنین به دست آمدن چند قطعه سفال شبیه به سفال‌های گونه سراب جدید و متعلق به دوره نوسنگی جدید؟ و نیز سفال‌های دالمایی مربوط به فاز اولیه مس‌سنگی میانی نشان از توالی کامل این محوطه از اواخر هزاره ششم و اوایل هزاره پنجم ق. م. است که آن را به مناسب‌ترین گزینه برای پر کردن وقفه فرهنگی توالی اواخر دوره نوسنگی و اوایل مس‌سنگی دشت مریوان تبدیل کرده است. بنابراین آن‌گونه که از شواهد سفالی مشخص است، تپه‌قاله زیوا از جمله تپه‌های پیش‌ازتاریخ نه‌تنها مریوان، بلکه کل منطقه است که شواهد هر سه دوره نوسنگی جدید؟، مس‌سنگی قدیم و فاز ابتدایی دوره مس‌سنگی میانی را دارا است و لایه‌نگاری آن می‌تواند بسیاری از ابهامات گاه‌نگاری اواخر دوره نوسنگی و اوایل مس‌سنگی منطقه را پاسخگو باشد.

کلیدواژگان: قاله زیوا، نوسنگی جدید، مس‌سنگی قدیم، سفال جی، مریوان.

I. کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، پژوهشکده کردستان‌شناسی دانشگاه کردستان (نویسنده مسئول).

Mote_1987@yahoo.com

II. دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه تهران و عضو بنیاد ایران‌شناسی شعبه کردستان.

III. کارشناس ارشد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کردستان.

مقدمه

با نگاهی به مطالعات دوره نوسنگی غرب ایران متوجه می‌شویم محققانی که قصد تحقیق و مطالعه بر روی آثار این دوره را داشته‌اند، به ناچار فقط بر روی محوطه‌های منطقه زاگرس مرکزی و یا محوطه‌های منطقه شمال غرب متمرکز بوده‌اند و اطلاعاتی از مناطق حدفاصل این دو حوزه که عموماً دشت‌ها و دره‌های میان‌کوهی استان کردستان امروزی را شامل می‌شوند، اطلاعاتی در دسترس نبود. خوشبختانه با شناسایی دو محوطه از دوره نوسنگی در دشت مریوان (محمدی‌فرو و مترجم، ۱۳۹۴؛ محمدی‌فرو و مترجم، ۱۳۸۲) و یا آثار به دست آمده از کاوش‌های تپه قشلاق بیجار (مترجم و شریفی، ۱۳۹۷) مطالعات دوره نوسنگی این منطقه از غرب ایران نیز از وضعیت گنگ و ناشناخته گذشته خارج شده و اطلاعات اولیه‌ای از دوره نوسنگی این مناطق نیز منتشر شده است. همان‌طور که ذکر شد، برای اولین بار در طی بررسی‌های این دشت در سال ۱۳۸۱ ش. دو محوطه از دوره نوسنگی به نام‌های تپه حمه‌ومین و حمه‌مراد شناسایی شدند (محمدی‌فرو و مترجم، ۱۳۸۲) که با توجه به مقایسه تیغه و ریزتیغه‌های این دو تپه با آثار تپه‌های گنج‌دره و علی‌کش (محمدی‌فرو و مترجم، ۱۳۹۷) و نیز نبود شواهد سفالی بر سطح این دو تپه به نظر می‌رسد که قدمت هر دو آن‌ها به دوره نوسنگی بی‌سفال برمی‌گردد. بعد از دوره نوسنگی بی‌سفال در دشت مریوان یک وقفه طولانی مدت حدوداً ۳ هزارساله دیده می‌شود، به طوری که شروع گسترده استقرارها در دشت به دوره مس‌سنگی میانی (دالما-سه‌گابی) در نیمه هزاره پنجم ق.م. برمی‌گردد.

پرسش و فرضیه: پرسش اصلی که در مطالعات این دوره در دشت مریوان پیش می‌آید این است که استقرارهای دشت بعد از دوره نوسنگی بی‌سفال چه وضعیتی را دارا هستند؟ چرا هیچ استقراری از دوره نوسنگی باسفال و دوره مس‌سنگی قدیم شناسایی نشده است؟ خوشبختانه به دست آمدن سفال‌های نوع جی و چند قطعه سفال شبیه به سفال‌های گونه سراب جدید از تپه قاله‌زیوا در منطقه مریوان تا حدی می‌تواند پاسخ پرسش‌های ذکر شده را بدهد. از این میان دشت مریوان با قابلیت‌های مناسب زیست‌محیطی بدون شک می‌تواند از جمله مناطق کلیدی برای پرکردن حلقه مفقوده مطالعات دوره نوسنگی غرب ایران (حدفاصل دو حوزه زاگرس مرکزی و حوزه شمال غرب) محسوب شود.

روش تحقیق

در این پژوهش با تکیه بر پژوهش میدانی براساس یافته‌های حاصل از برنامه بررسی و شناسایی دشت مریوان و همچنین بر پایه اطلاعات منتشر شده از پژوهش‌های گذشته و اخیر محققان، اقدام به روشن کردن بخشی از حلقه مفقوده دوران مس‌سنگی قدیم در شمال زاگرس مرکزی شده است.

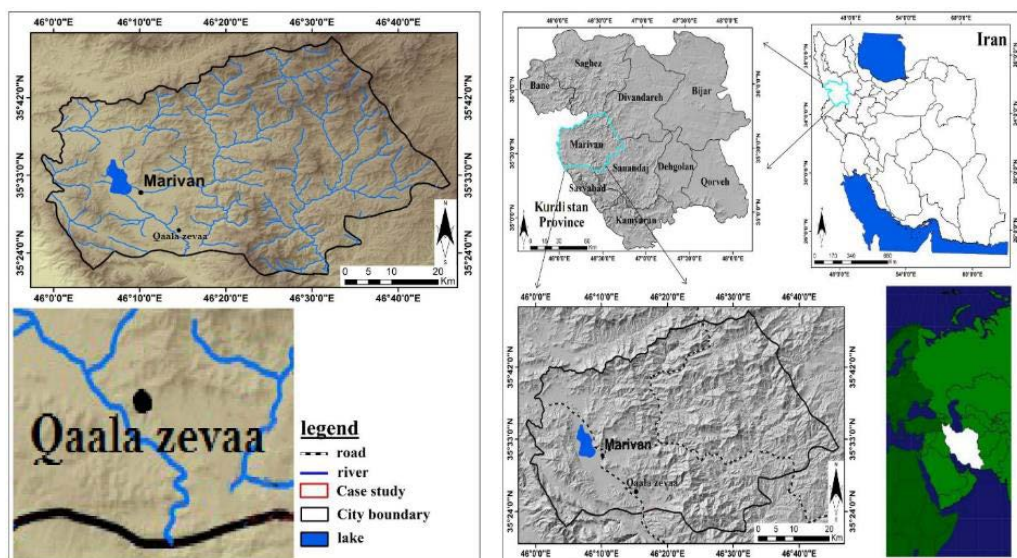
پیشینه پژوهشی

نخستین فصل بررسی‌های باستان‌شناسی دشت مریوان توسط دانشگاه بوعلی همدان در سال ۱۳۸۱ ش. منجر به شناسایی آثار و محوطه‌های پیش‌ازتاریخ از دوره‌های پارینه‌سنگی میانی، فراپارینه‌سنگی، نوسنگی بی‌سفال و مس‌سنگی میانی گردید. نکته جالب در مورد توالی آثار شناسایی شده، وجود یک وقفه نسبتاً طولانی بین محوطه‌های دوره نوسنگی قدیم تا دوره مس‌سنگی میانی است. در بررسی‌های اخیر انجام گرفته توسط نگارندگان که در سال ۱۳۹۷ ش. با عنوان بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دشت مریوان صورت گرفت، محوطه‌ای با نام تپه قاله‌زیوا شناسایی گردید. این تپه دارای آثاری از اواخر هزاره ششم ق.م. است که در بررسی و شناسایی‌های قبلی در مریوان تاکنون ناشناخته مانده بود.

موقعیت جغرافیایی

شهرستان مریوان یکی از شهرستان های استان کردستان است که در ۱۳۵ کیلومتری غرب شهرستان سنندج واقع شده است و در ۴۶ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع ۱۲۸۶ متری از سطح دریا واقع شده است. شهرستان مریوان با مساحت ۲۱۹۳،۴ کیلومترمربع ۷،۷۷ درصد از مساحت استان را به خود اختصاص داده است که دارای ۳ بخش، ۲ شهر و شش دهستان است. دشت مریوان که شهر کنونی مریوان در آن واقع شده، از شمال به ارتفاعات بیساران و فیله قوس و دشت قزل چه، از غرب به کوه های میره جی، گزسانی و قوچلو، از جنوب به کوه های میره جی و بولیانه و از شرق به ارتفاعات مشرف بر دره و رودخانه گاران محدود می گردد.

این دشت در جهت شمال غربی- جنوب شرقی گسترش پیدا کرده و دریاچه زیبار با جهت شمالی - جنوبی در وسط دشت واقع شده است. طرز تشکیل دشت مریوان، نحوه بریدگی اطراف آن، شکل ظاهری، طرز گسترش این دشت، غیرمنظم بودن آن و نیز عمق زیاد آبرفت (حداکثر ۲۳ متر) با عرض کم نشان می دهد که حتماً گسل یا گسل هایی باعث افتادگی طبقات و شرایط مناسب برای تشکیل دشت مریوان شده است. البته در تکوین و تکامل دشت نباید نقش آب و هوا و آب های روان را از نظر دور داشت، بدین ترتیب در زمان های پیش، هم زمان و پس از حرکت کوه زایی که ساختمان زمین شناسی در این منطقه در حین تکوین بوده است، دوره فرسایش شدید شروع شده و سیلاب های بزرگ و سیل های فراوانی در منطقه به وجود آمده است. در محل هایی که در مسیر آب بوده، لایه های سست و نرم وجود داشته و در امتداد لایه ها و در قسمت هایی که زمین سخت بوده، عمود به امتداد لایه ها، دره ایجاد شده است (ملکی، ۱۳۸۶). این دره ها محل مناسبی برای اسکان گروه های انسانی است و دارای شرایط مناسب زیستی برای امرار معاش این جوامع هستند. تپه قاله زیوا در استان کردستان، شهرستان مریوان در طول جغرافیایی ۳۸ S، ۶۱۴۶۳۷ E و عرض ۳۹۲۱۱۱۳ و ارتفاع ۱۲۸۳ متری از سطح دریا (تصاویر ۱ و ۲)، به شکل یک برجستگی کوچک در ۱۵۰۰ متری جنوب غربی روستای شارانی، بخش مرکزی شهرستان مریوان و میان یک دشت میان کوهی، مجاورت چشمه ای و در ۱۰۰ متری شرق جاده آسفالت روستای شارانی واقع شده است (تصویر ۳).



تصاویر ۱ و ۲. موقعیت جغرافیایی تپه قاله زیوا (نگارنگان).



تصویر ۳. موقعیت نسبی تپه قاله زیوا (نگارندگان).

ابعاد و اندازه این تپه حدوداً 70×70 متر و ارتفاع آن از سطح دره جلگه ای دامنه غربی تپه حدوداً ۵ متر است (تصاویر ۴ و ۵) سطح تپه هم‌اکنون کاربری کشاورزی دارد و به گفته مالک این زمین، رأس تپه در گذشته ارتفاع بیش‌تری داشته و جهت تسهیل در امر کشاورزی سطح آن را حدود ۱ متر تسطیح کرده‌اند. همچنین از عمق ۸۰ - سانتی‌متری رأس تپه لوله آبرسانی عبور کرده است. با توجه به این توصیفات و آسیب‌های وارد شده به این اثر ارزشمند می‌توان گفت که وضعیت حفاظتی آن در شرایط نه‌چندان مطلوب قرار دارد و لازم به ذکر است که متأسفانه در فهرست آثار ملی به ثبت نرسیده است.

شواهد سفالی تپه قاله زیوا

از جمله مهم‌ترین شواهد سطحی تپه قاله زیوا، به دست‌آمدن سفال‌های نوع جی از این تپه است (تصویر ۶). همان‌طور که می‌دانیم سفال نوع جی برای اولین بار از بررسی‌های ماهیدشت گزارش شده و از سطح در حدود ۱۱۰ محوطه این دشت به دست آمده‌اند. سفال نوع جی سفالی خوش‌ساخت با پوشش غلیظ و مربوط به دوره مس‌سنگی قدیم منطقه ماهیدشت کرمانشاه است (Levine & McDonald, 1977, Levine and Young, 1987). این گونه سفالی، شاخه محلی و شرقی فرهنگ حلف دانسته شده (Matthews, 2000) و دامنه پراکنش آن در غرب ایران بیش‌تر به مناطق غربی زاگرس مرکزی نظیر دشت‌های سرپل ذهاب (علی‌بیگی، ۱۳۹۴)، ماهیدشت (Levine & McDonald, 1977) و حد‌نهایی گسترش آن تا مناطقی نظیر صحنه، هرسین (مترجم و محمدی‌فر، ۱۳۸۱) و بیستون نظیر تپه نازیان (محمدی‌قصریان، ۱۳۹۳) است. با این مقدمه پیدا شدن این گونه سفالی در دشت مریوان می‌تواند بسیار مورد توجه بوده و مریوان نیز به مناطق تحت‌تأثیر این فرهنگ سفالی اضافه گردد. علاوه بر سفال‌های جی چندین قطعه سفال شبیه به



تصاویر ۴ و ۵. دورنمای تپه (نگارندگان).

سفال‌های نوع سراب جدید نیز از بررسی تپه به دست آمدند (تصویر ۷). پوشش‌های گلی براق سطح این چند قطعه بسیار شبیه به پوشش سفال‌های گونه سراب جدید منطقه زاگرس مرکزی و از جمله خود تپه سراب کرمانشاه بوده، ولی به دست نیامدن دیگر گونه‌های شاخص سفالی دوره نوسنگی جدید نظیر سفال‌های منقوش این دوره نظیر سفال خطی سراب باعث می‌شود که در انتساب این گونه سفالی به دوره نوسنگی جدید با شک و تردید مواجه شویم و با آن قاطعیتی که از وجود سفال نوع جی در این تپه سخن به میان آورده‌ایم، سخن نگوییم. به هر حال با توجه به قرابت زمانی تقریباً نزدیک به هم سفال جی با سفال گونه سراب جدید (نیمه دوم هزاره ششم ق.م.) وجود دوره نوسنگی جدید در این تپه نیز زیاد دور از ذهن نمی‌تواند باشد. خوشبختانه شواهد سفالی تپه قاله زیوا تنها محدود به دوره نوسنگی جدید؟ و مس‌سنگی قدیم نیست، بلکه سفال‌های شاخص مرحله ابتدایی دوره مس سنگ میانی (دالما) را نیز دارد (تصویر ۸). آن چه که ما را مطمئن می‌سازد که سفال‌های این مرحله فقط متعلق به مرحله ابتدایی مس‌سنگی میانی است، به دست نیامدن سفال‌های نخودی منقوش مرحله میانی مس‌سنگی میانی نظیر سفال



تصویر ۶. سفال‌های جی از تپه قاله زیوا (نگارندگان).

گونه سه‌گابی و B.O.B است. بنابراین آن‌گونه که از شواهد سفالی مشخص است، تپه قاله زیوا از جمله محدود تپه‌های پیش از تاریخ نه تنها مریوان، بلکه کل منطقه است که شواهد هر سه دوره نوسنگی جدید؟، مس سنگی قدیم و مرحله ابتدایی مس سنگی میانی را داراست و لایه‌نگاری آن می‌تواند بسیاری از ابهامات گاه‌نگاری اواخر نوسنگی و اوایل مس سنگی منطقه را پاسخگو باشد.

بحث و تحلیل

همان‌طور که ذکر گردید، تا مدت‌های زیادی مطالعات پیش از تاریخ غرب ایران تنها محدود به محوطه‌های دو حوزه مهم پیش از تاریخ غرب ایران یعنی منطقه شمال غرب و حوزه زاگرس مرکزی بوده و از آثار مابین این حوزه، اطلاعاتی در دست نبود. خوشبختانه این منطقه از غرب کشور نیز طی یکی دو دهه اخیر مورد توجه محققان قرار گرفته و اطلاعات زیادی در مورد پیش از تاریخ این منطقه و به ویژه دوره مس سنگی آن منتشر شده است. در نتیجه این مطالعات فرهنگ‌های سفالی، الگوهای پراکندگی و گاه‌نگاری این دوران و به ویژه دوران مس سنگی مناطق مختلف این منطقه نیز تا حدودی مشخص شده است (موچشی، ۱۳۹۰؛ مترجم و محمدی‌فر، ۱۳۸۱؛ مترجم



تصویر ۷. سفال‌های نوسنگی جدید؟ تپه قاله زیوا (نگارندگان).



تصویر ۸. سفال‌های دالمایی تپه قاله زیوا (نگارندگان).

و شریفی، ۱۳۹۷ و زارعی و همکاران، ۱۳۹۶). اما در مورد دوره‌های نوسنگی و مس‌سنگی قدیم وضعیت به این‌گونه نیست و محوطه‌های کمتری از این دوران گزارش شده‌اند. خوشبختانه گزارش دو محوطه دوره نوسنگی در مریوان و یا کاوش تپه قشلاق بیجار (مترجم و شریفی، ۱۳۹۷) باب جدیدی را در مطالعات دوره نوسنگی منطقه آغاز کرده و نتایج جالبی را نیز به دست داده‌اند.

لایه‌نگاری تپه‌قشلاق نشان داد که لایه‌های مرحله‌دالمایی این تپه مستقیم بر روی لایه‌های دوره‌نوسنگی جدید قرار گرفته و نشان می‌دهد که توالی فرهنگی منطقه بیجار کاملاً شبیه به حوزه شمال غرب است که در آنجا نیز وقفه‌ای بین دوره‌نوسنگی جدید و مرحله‌دالما وجود ندارد. تاریخ‌گذاری‌های مرحله‌دالما تپه‌قشلاق که تاریخ‌های ۵۰۰۰ ق.م. و حتی قدیمی‌تر را نیز نشان داده است (مترجم و شریفی، ۱۳۹۷)، کاملاً گویای این مطلب است که این تاریخ مربوط به دوره‌مس‌سنگی قدیم است. تاریخ‌گذاری‌های جدید به‌دست‌آمده از کول تپه هادی‌شهر در منطقه شمال غرب نیز تاریخ‌های مشابهی را برای دوره‌دالما پیشنهاد داده است (Abedi et al., 2014). به احتمال زیاد وضعیت لایه‌نگارانه تپه‌قشلاق زیوا نیز مانند محوطه‌های منطقه زاگرس مرکزی نظیر سیاه‌بید و چقاماران هستند که در سیاه‌بید سفال جی بر روی لایه‌های دوره‌نوسنگی و در چقاماران نیز بر روی خاک بکرو زیر لایه‌های دوره‌مس‌سنگی میانی قرار گرفته‌اند (Levine & McDonald, 1977; Levine & Young, 1987).

نتیجه‌گیری

با توجه به بحث ارائه‌شده به نظر می‌رسد که دوره‌مس‌سنگی قدیم بیجار و حتی مناطق هم‌جوار آن نظیر دشت‌های دهگلان و قروه نیز شبیه به تپه‌قشلاق و در کل، منطقه شمال غرب باشد و با توجه به شناسایی نشدن فرهنگ سفال جی در بررسی‌های باستان‌شناسی، احتمالاً وجود فرهنگ سفال نوع جی و یا شهرن‌آباد در این مناطق دور از ذهن خواهد بود. هم‌چنین به دلیل ارتفاع بالای این مناطق از سطح دریا، سرمای زیاد منطقه، دوری از منابع سنگ چرت و شرایط نامناسب زیست‌محیطی نظیر نبود غارها و یا پناهگاه‌های صخره‌ای و نیز دره‌های کم‌عرض میان‌کوهی شرایط مناسب را برای جذب جوامع قدیمی‌تر (نوسنگی بی‌سفال و پارینه‌سنگی) را ندارند. اما منطقه‌مریوان با زیست‌بوم کاملاً متفاوت، شرایط متفاوتی را نیز دارا است. وجود منابع سنگ چرت، ارتفاع مناسب منطقه از سطح دریا، وجود غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای و مهم‌تر از همه دره‌های کوچک و کم‌عرض میان‌کوهی که دلخواه گروه‌های نوسنگی است، شرایط مناسبی را برای جذب این جوامع داراست. قبلاً آثار دوره‌های پارینه‌سنگی میانی، جدید، فرا پارینه‌سنگی و نوسنگی بی‌سفال از منطقه‌مریوان گزارش شده بود، اما به یک باره از آثار اواخر دوره‌نوسنگی و اوایل مس‌سنگی گزارشی در دست نبود. پیدا شدن تپه‌قشلاق زیوا با شواهدی از دوره‌نوسنگی جدید و اوایل مس‌سنگی نه تنها حلقه مفقوده بین گروه‌های دوره‌نوسنگی بی‌سفال منطقه و استقرارهای گسترده دوره‌مس‌سنگی میانی است، بلکه نتایج جالبی نیز دربر دارد. برخلاف مناطقی نظیر بیجار، در مریوان دوره‌مس‌سنگی قدیم با سفال جی شناخته می‌شود. به طرز جالبی محل به‌دست آمدن سفال‌های سطحی جی در دامنه غربی تپه و دقیقاً در قسمت‌های متمایل به دامنه پیدا می‌شدند، درحالی‌که سفال‌های دالمایی در عرض‌های بالاتر و نزدیک به رأس تپه به‌دست می‌آمدند. این امر احتمالاً نشان می‌دهد که از نظر لایه‌نگاری نیز سفال جی در زیر سفال دالمایی جای دارد، برخلاف تپه‌قشلاق که سفال دالمایی بر روی لایه‌های دوره‌نوسنگی آن به‌دست آمده‌اند. مطمئناً تپه‌قشلاق زیوا یکی از کلیدی‌ترین محوطه‌های نوسنگی منطقه برای پاسخگویی به ابهامات اواخر دوره‌نوسنگی و اوایل مس‌سنگی منطقه به حساب می‌آید.

پی‌نوشت

۱. این پروژه با حمایت مالی پژوهشکده کردستان‌شناسی دانشگاه کردستان انجام شده است.

کتابنامه

- موحشی، امیرساعد (۱۳۹۰). «بررسی الگوهای استقرار محوطه‌های دوران مس و سنگ شرق استان کردستان (حوزه آبیگر رودخانه قزل اوزن)». رساله دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران (منتشر نشده).
- زارعی، محمدابراهیم؛ محمدی‌قصریان، سیروان؛ و عبدالله‌پور، محمد (۱۳۹۶). «بررسی باستان‌شناختی تپه گریاشان سنندج». *مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. شماره ۱۲. صص: ۹-۲۳.
- علی‌بیگی، سجاد (۱۳۹۴). «گزارش بررسی دشت سرپل ذهاب». مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کرمانشاه (منتشر نشده).
- مترجم، عباس و شریفی، مهناز (۱۳۹۷). «فرآیند گذار از سنت‌های فرهنگی نوسنگی جدید به مس‌سنگی قدیم در پسرکرانه‌های شرق زاگرس مرکزی». *پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران*. دوره هشتم. شماره ۱۶. بهار ۱۳۹۷. صص: ۱۰۲-۸۳.
- مترجم، عباس؛ و محمدی‌فر، یعقوب (۱۳۸۱). «طرح بررسی و شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان هرسین». آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس (۱۳۸۲). «طرح بررسی و شناسایی و مستندسازی آثار باستانی شهرستان صحنه». آرشیو میراث فرهنگی و گردشگری بیستون (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس (۱۳۸۱). «بررسی باستان‌شناسی شهرستان مریوان»، مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان کردستان (منتشر نشده).
- محمدی‌فر، یعقوب؛ و مترجم، عباس (۱۳۹۴). «مریوان، از دوره پارینه‌سنگی میانه تا دوره مس‌سنگی براساس بررسی‌های باستان‌شناسی». *مفاخر میراث فرهنگی ایران: جشن‌نامه دکتر صادق ملک شه‌میرزادی*. به کوشش: مرتضی حصار، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و دانشگاه هنر اصفهان. صص: ۱۰-۳.
- محمدی‌قصریان، سیروان (۱۳۹۳). «تپه نازلیان». *مجموعه مقاله‌های باستان‌شناسی در بیستون*. به کوشش: حسین راعی و مژگان خانمرادی، تهران: نشر ایران‌نگار.

- Abedi, A.; Khatib ahahidi, H.; Chataigner, C. H.; Niknami, K.; Eskandari, N.; Kazempour, M.; Pirmohammadi, A.; Hoseinzadeh, J. & Ebrahimi, GH. (2014). Excavation at Kul Tepe of (Hadishahr), North-Western Iran, 2010: First Preliminary Report, *Ancient Near Eastern Studies* 51: 33-165.

- Levine, L. D & McDonald, M. A. (1977). "The Neolithic and Chalcolithic periods in the Mahidasht". *IRAN* 15. pp: 39-50.

- Levine, L. D & Young, Jr., T. C. (1987). "A summary of the ceramic assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the late third millennium B.C.". In: *Pr'ehistoire de la M'esopotamie: La M'esopotamie pr'ehistorique et l'exploration r'ecente du Djebel Hamrin, E'ditions de la Centre National de la Recherche Scientifique, Pari.*, pp: 15-53.

- Matthews, R. (2000). *The Early Prehistory of Mesopotamia 500,000 to 4500 B.C.* Brepols Publishers n.v., Turnhout, Belgium.